



مشکل آمریکا، ظهور ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای است نه برنامه هسته‌ای

فیل ویلیتو نویسنده و فعال سیاسی آمریکایی گفت که مشکل بین ایران و آمریکا هیچ‌گاه این اتهام دروغ که ایران می‌کوشد تا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، نبوده، بلکه ظهور ایران به عنوان یک قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در منطقه است.

خبرگزاری فارس: "فیل ویلیتو" نویسنده و فعال سیاسی آمریکایی گفت که مشکل بین ایران و آمریکا هیچ‌گاه این اتهام دروغ که ایران می‌کوشد تا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، نبوده، بلکه ظهور ایران به عنوان یک قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در منطقه است.

"فیل ویلیتو" نویسنده و فعال آمریکایی در خصوص تحولات اخیر خاورمیانه به گفت‌وگو با خبرنگار فارس در واشنگتن نشست که متن سخنان وی در ادامه می‌آید:

من فکر می‌کنم بیشتر جنبش‌های اپوزیسیونی که در شمال آفریقا و خاورمیانه تشکیل شده‌اند، در واقع واکنشی به نارضایتی‌های دیرینه مردم هستند. بیشتر این کشورها که شاهد شکل‌گیری جنبش‌ها هستند، رژیم‌های مرتجع و غیردموکراتی می‌باشند که برای نجات و حیات خود به دولت‌ها و شرکت‌های غربی وابسته‌اند. نتیجه این شرایط نیز چیزی جز فساد، تبعیض، فقر گسترده و سرکوب سیاسی شدید فقرا، کارگران و مردم ستم‌دیده نبود که به مرور زمان کل منطقه را تبدیل به یک بمب اجتماعی کرد. در نهایت وقتی یک بی‌خانمان تونس‌سی تصمیم گرفت تا به جای ادامه زندگی در چنین شرایطی خود را بسوزاند، مرگش موجب انفجار اجتماعی در تونس شد که به دیگر کشورهای منطقه نیز سرایت کرد.

***دولت‌های عربی منطقه در راستای منافع آمریکا حرکت می‌کنند**

در تونس، مصر، عربستان سعودی، بحرین، یمن و پاکستان دولت‌هایی را دارید یا داشتید که دروازه‌های کشورشان را به روی شرکت‌های استثمارگر غربی باز کرده بودند. این دولت‌ها در واقع به نفع اهداف استراتژیک ایالات متحده و دیگر دولت‌های غربی حرکت می‌کرده و اهمیتی به نیازهای طبقه کارگر و فقر خود نمی‌دادند. بنابراین وقتی که اعتراضات شروع شد، این دولت‌ها با دو خواسته اصلی از سوی مردم روبرو شدند: بهبود شرایط اقتصادی توده‌ها، و پایان دادن به سرکوبگری سیاسی؛ همچنین از آنجا که حاکمان این کشورها از سوی غرب حمایت می‌شدند، اعتراضات نیز دارای تمایلات ضد غربی بود و مردم به دنبال کسب حمایت غرب نبودند.

دولت لیبی برای سال‌ها به مخالفت با سیاست‌ها غرب در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و حتی اروپا شناخته می‌شد و از منافع حاصل از صنعت ملی شده نفت خود برای ارتقای سطح سواد و بهداشت مردم استفاده می‌کرد. در نتیجه، لیبی امروز بالاترین نرخ سواد، بیشترین میزان امید به زندگی و پائین‌ترین نرخ مرگ و میر اطفال را در بین تمام کشورهای آفریقای شمالی دارد. این شرایط نشانه‌ای از دیکتاتوری راستگرا ندارد و همچنین مخالفان حکومت لیبی نیز خواستار بهبود شرایط زندگی فقرا و کارگران نیستند، بلکه خواسته‌های آن‌ها منحصرا سیاسی است. البته این بدان معنا نیست که نارضایتی مردم لیبی امری نادرست و نامشروع است بلکه قصد من اشاره به این حقیقت است که اخلاف بسیار زیادی بین اعتراضات کشورها وجود دارد.

به علاوه اینکه، مخالفان دولت لیبی، اعتراضات صلح‌آمیز را در پیش نگرفته‌اند. بلکه آن‌ها یک شورش مسلحانه را ترتیب دیده‌اند که کمک‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و ناتو را نیز دریافت کرده است.

خیلی جالب است که در عرض چند هفته، مخالفان شرکت نفت خود را نیز ایجاد کرده و آماده فروش نفت تصفیه شده به کشورهای اروپایی شده‌اند. همچنین بلافاصله پس از اعلام تشکیل یک "دولت موقتی"، فرانسه که معاملات نفتی زیادی نیز با لیبی دارد، آن را به رسمیت شناخت. بنابراین می‌بینید که این مخالفت‌ها، واکنشی اتفاقی و ناگهانی به سرکوبگری نبوده است. بلکه آن‌ها مدتی بود که برای چنین لحظاتی آماده شده و حمایت‌های خارجی خود را نیز کسب کرده بودند.

اما در مورد سوریه، دولت این کشور با اهداف غرب در منطقه مخالف بود اما این کشور مجبور شد در ماه آوریل سال جاری تحت فشار تظاهرات‌ها قانون 48 ساله وضعیت فوق‌العاده را لغو کند. اوضاع این کشور خطرناک است زیرا اگر معترضان سوری بخواهند به دنبال حمایت غرب باشند، این کشور نیز افول کرده و تبدیل به یکی از نو مستعمره‌های قدرت‌های غربی می‌شود.

***نظام ایران طی 3 دهه گذشته موفق به بهبود زندگی مردم شده است**

در ایران نیز شما شاهد وجود دولت‌های ضد امپریالیست هستید که طی سه دهه گذشته موفق شده تا زندگی مردم را بهبود بخشد. در این کشور خواسته‌های مخالفین سیاسی بود. در همین حال، عناصر ضد امپریالیستی که در طبقات روشنفکر و بالای جامعه وجود دارند نیز از دولت حمایت می‌کنند. مخالفان دولت ایران از سوی عناصر غرب‌گرای طبقه متوسط و بالا حمایت می‌شوند.

* غرب در جریان تحولات به دنبال منافع خود است

به هر حال در تمامی این شرایط، باید این مسئله را روشن کرد که دلیل نارضایتی مردم این کشورها هرچه که باشد، معیارهایی که غرب برای تصمیم‌گیری در خصوص حمایت یا عدم حمایت از یک گروه مخالف اتخاذ می‌کند یکسان هستند و موضع اصلی برای غربی‌ها نیز این است که دفاع از دولت کنونی یک کشور بیشتر به نفع منافع غرب است و یا کمک به فروپاشی آن؟ به عبارت دیگر برای واشنگتن، پاریس، لندن، برلین و یا رم مهم نیست که یک دولت دیگر کشورها دموکراتیک باشد و یا سرکوبگر، بلکه تنها سوال این است که آیا آن دولت منافع طبیعی، نیروی کار و بازارهای خود را در اختیار استثمار غرب می‌گذارد؟

* رسانه‌های آمریکایی در تملک شرکت‌های آمریکایی هستند

وقتی پای مشکلات داخلی و یا دست‌کم مشکلاتی که با توجه به ظرفیت‌های سیستم اقتصادی و سیاسی کنونی ایالات متحده قابل حل هستند، در میان باشد، رسانه‌ها می‌توانند نقش مخالف را ایفا کنند. این مسئله همچنین می‌تواند با حذف برخی از دلایلی که موجب نارضایتی مردم می‌شود، به تقویت سیستم حاکم بر آمریکا کمک کند. اما وقتی به سیاست خارجی می‌رسیم، رسانه‌ها می‌دانند که باید به دنبال منافع درازمدت بانک‌ها و شرکت‌های آمریکایی باشند. از سوی دیگر، تقریباً همه رسانه‌های آمریکایی در تملک این شرکت‌ها هستند.

بنابراین رسانه‌ها به سرعت تشخیص دادند که به نفع آن‌ها نیست که همه جنبش‌های منطقه را بطور یکسان تعبیر کنند. در نتیجه برای رسانه‌های آمریکایی جنبش‌ها چند دسته هستند. جنبش‌های "خوب" مثل جنبش‌های لیبی، سوریه و ایران، جنبش‌هایی که وارد شدن در آن‌ها می‌تواند خطرناک باشد مثل مصر و جنبش‌هایی که قطعاً به سود آمریکا نیستند مثل بحرین، یمن و عربستان سعودی؛ با این حال، مشکل مهم‌تر رسانه‌های آمریکایی این بود که جنبش مردمی مصر بعد از آنکه رژیم دیکتاتوری تحت حمایت غرب مبارک را به دیکتاتوری نظامی تحت حمایت غرب تغییر کرد، ساکت نشد. بلکه خواسته‌های مردم دامنه وسیعی از مسایل از بهبود شرایط زندگی گرفته تا برقراری دموکراسی و پایان دادن به حمایت از اسرائیل را شامل می‌شود. همین امر نیز مشکل بزرگی را برای دولت ایالات متحده، تاسیسات اقتصادی و رسانه‌های آن ایجاد کرد. به همین خاطر ادامه دادن به روند مشابهت‌سازی بین انقلاب مصر و ناآرامی‌های ایران دیگر به نفع آمریکا نبود.

* امپریالیسم آمریکا نتوانست خانه استوار انقلاب ایران را از بین ببرد

به نظر من چیزی که اتفاق افتاده این است که "گرگ بد و بزرگ" امپریالیسم آمریکا غضبناک شد و غرش کرد و جنجال به پا کرد اما نتوانست خانه استوار انقلاب ایران را از بین ببرد. امواج پی در پی تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل، تهدیدات نظامی ایالات متحده و اسرائیل، حمایت‌های سیاسی از مخالفان داخلی ایران و ایجاد یک کمپین ثابت رسانه‌های برای پخش اطلاعات نادرست، همگی شکست خورد و نتوانست ایران را به زانو درآورد.

* مشکل آمریکا، ظهور ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای است

بر خلاف آن چیزی که در غرب گفته می‌شود، مشکل بین ایران و آمریکا هیچ‌گاه این اتهام دروغ که ایران می‌کوشد تا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، نبوده است. ایران کشوری است که سال 1979 خود را از سلطه غرب رها کرد و ذخایر عظیم نفت و گاز خود را نیز در اختیار گرفت. این کشور بعد از انقلاب، روند سیاسی خود را دنبال کرد و نتوانست ضمن حمایت از جنبش‌های ضدامپریالیستی منطقه خود را به عنوان یک قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی منطقه مطرح کند. همچنین علاوه بر این حقیقت که نفت ایران هم‌اکنون از چنگ استثمار غرب خارج شده، پافشاری همیشگی این کشور برای حفظ حق خودمختاری موجب شده تا از دید غرب یک نمونه و الگوی بد برای دیگر کشورهای غیرامپریالیستی شکل گیرد. در این رابطه، ایران مشابه کوبا است.

* آمریکا طرفدار دولتهای بله‌قربان‌گو است

حقیقت این است که تا زمانی که دولتی در برابر ارباب امپریالیست خود سر فرو می‌آورد، برای ایالات متحده مهم نیست که این دولت، چگونه دولتی است. اما همین تسلیم شدن در برابر آمریکا، کاری است که ایران از انجام آن خودداری کرده است. بنابراین باید گفت که هیچ تغییری در اهداف آمریکا نسبت به ایران ایجاد نشده است و آمریکا تنها به تهدید کردن این کشور می‌پردازد. تنها اقدامی که در این میان صورت نگرفته، این است که آمریکا به ایران حمله کند و یا به اسرائیل اجازه چنین کاری را دهد. زیرا به قدر کافی روشن است که آمریکا در چنین جنگی قطعاً پیروز نخواهد بود. شاید آمریکا بتواند ایران را تخریب کند اما هزینه‌ای که باید برای این کار بپردازد، پیروزی را بی‌ارزش می‌کند. گذشته از این، حضور آمریکا در عراق و افغانستان موجب شده تا منابع انسانی و مادی این کشور رو به افول بوده و به شدت آسیب

ببیند.

آمریکا حتی نسبت به اجرای يك جنگ كامل عليه ليبيا يعني كشوري كه کمتر از 7 ميليون جمعيت دارد مردد است. حال چگونه مي‌تواند به ايران قدرتمند و 70 ميليوني حمله کند؟

البته رهبران امپرياليست هميشه يك روند مشترك را دنبال نمي‌کنند. نومحافظه‌كاران حاضر در دولت آمريكا و بنگاه‌هاي سيائي اين كشور تنها به منطق زور معتقدند. ظرفيت آن‌ها براي تجاوز به كشورهاي ديگر هيچ‌گاه پائين نيست و مهم نيست كه اين گزينه تا چه حد مي‌تواند ديوانه‌وار باشد.

***نزاع امپرياليست براي به دوش كشيدن هزينه جنگ ليبيا**

قدرت‌هاي اروپايي حاضر در ناتو منافع اقتصادي زيادي در ليبيا دارند و معتقدند كه ايجاد يك دولت جديد و منعطف به سود آن‌هاست. اما با توجه به آنكه اقتصاد اين كشورها تحت فشار شديد است، قادر نيستند تا منابع ضروري براي براندازي دولت ليبيا را تهيه کنند. بنابراين آن‌ها از آمريكا مي‌خواهند تا مسئوليت اين بار را بر عهده بگيرد.

اما خود آمريكا نيز با بحران مالي روبروست و با وجود آنكه طرح بازباني اقتصادي اين كشور در نجات بانك‌ها موفقيت‌آميز بوده است اما هنوز قادر به کاهش نرخ بالاي بيكاري و مشكل مسكن مردم نيست. در نتيجه راه حلي كه سياستمداران آمريكايي به دنبال آن هستند، تلاش براي کاهش شديد خدمات اجتماعي و انجام حملات بي سابقه عليه اتحاديه‌هاست.

نتيجه اين سياست‌ها نيز موجب شكل‌گيري و بيداري جنبش‌هاي مردمی در ايالات متحده شد. همانطور كه در فوريه و مارس شاهد بوديم، بيش از 100 هزار كارگر به همراه حاميان‌شان به خيابان‌هاي مديسون و ويسكانسين آمدند و حتي ساختمان كنگره ايالتی را به اشغال درآوردند.

مي‌بينيم كه محدوديت‌هاي زيادي براي اين كشور وجود دارد. ايالات متحده منافع محدودی در ليبيا دارد و از قدرت‌هاي اروپايي مي‌خواهد تا بار اصلي ناشي از تغيير رژيم در اين كشور را خود به دوش بکشند. در واقع اين نزاعي بين امپرياليست‌هاست بر سر اينكه چه كسي بايد هزينه تلاش‌ها براي بازگرداندن ليبيا به يك مستعمره اقتصادي را پرداخت کند.

به هر حال اميدواريم كه همه مردم دنيا متوجه شوند كه ما با يكديگر مشتركات زيادي داريم. يك خانواده فقير در آفريقاي سياه، تهران، لندن، كاراكاس و يا در واشنگتن همگي دشمنان مشتركی مثل گرسنگي، بيماري، فقر و نژادپرستي داريم. در گذشته دلايل طبيعي و بيماري‌ها علت بروز اين مشكلات بود اما امروزه جهان تحت سيطره يك سيستم اقتصادي است كه ارزش‌هاي آن سودجويي از مردم است.

همزمان با اينكه تعداد بيشتری از ما مردم اين حقيقت ساده را درك مي‌كنيم و ميليون‌ها نفر در سراسر شمالي آفريقا و خاورميانه بيدار مي‌شوند، براي ما ممكن خواهد بود تا با يكديگر به جلو حركت کرده و اين جهان اندوهناك را يك بار ديگر به مكاني براي عدالت، صلح و امن براي همه تبديل كنيم.